

کیفیت کارگاه‌های آموزشی کتابخانه دیجیتال ملی پزشکی ایران (INLM) از دیدگاه مدرسان

نجلا حریری^۱، مهدی مجرد^{۲*}، یزدان منصوریان^۳، مرجان افغان^۴، پوران قائدی^۵

^۱ دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
^۲ کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
^۳ دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
^۴ کارشناس ارشد فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه تهران، دانشکده تربیت بدنی
^۵ کارشناس، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دانشکده پزشکی

چکیده

سابقه و هدف: با توجه به این که تا به حال کیفیت کارگاه‌های برگزار شده در ایران مورد بررسی قرار نگرفته است، پژوهش حاضر، با هدف بررسی کیفیت کارگاه‌های آشنایی با کتابخانه ملی دیجیتال پزشکی ایران، طی سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱، انجام گرفت. **روش بررسی:** این مطالعه با رویکرد کیفی و با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای انجام شد. بیست نفر از مدرسین واجد شرایط برای شرکت در مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختار یافته در نظر گرفته شدند که پس از انجام مصاحبه با تعداد ۱۰ نفر از آنها، محقق به اشباع اطلاعاتی در زمینه کیفیت برگزاری این کارگاه‌ها رسید. مدت هر مصاحبه حدود ۶۰ تا ۷۵ دقیقه بود. در نهایت، عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده کیفیت کارگاه‌ها مورد بررسی قرار گرفت. **یافته‌ها:** عوامل تسهیل‌کننده و بازدارنده کیفیت کارگاه‌ها، در دو سطح فردی و مدیریتی طبقه بندی شدند. سطح فردی، شامل آموزش و انگیزش، و سطح مدیریتی، شامل زمان کارگاه، مکان کارگاه، تجهیزات کارگاه، تعداد کارگاه‌ها و نحوه اطلاع‌رسانی کارگاه بود. **نتیجه‌گیری:** به نظر می‌رسد عوامل فردی و مدیریتی در تسهیل و بازدارندگی کیفیت کارگاه‌های آشنایی با کتابخانه ملی دیجیتال پزشکی ایران دارای نقش می‌باشند. از این رو، بررسی تأثیر تجربی آنها در مطالعات آینده توصیه می‌شود. **واژگان کلیدی:** کارگاه آموزشی، کتابخانه ملی دیجیتال پزشکی ایران، مطالعه کیفی.

مقدمه

هفتگی و توسط مدرسین مختلف برگزار می‌شوند (۲). از این رو، بررسی کیفیت برگزاری و اجرای کارگاه‌های آموزشی به منظور آگاهی از نقاط قوت و ضعف و در نتیجه برنامه‌ریزی، پیگیری و تصمیم‌گیری بهتر برای تقویت جنبه‌های مثبت و رفع کاستی‌ها اهمیت خاصی دارد (۳). در صورتی که این کارگاه‌ها نتوانند به اهداف خود نائل شوند، دلسردی مدرسین و در نتیجه محرومیت جامعه دانشگاهی از این کارگاه‌ها تبعات شناخته شده‌ای را به همراه خواهد داشت (۴).

کیفیت آموزشی و پژوهشی از جمله نگرانی‌هایی است که همیشه نظام‌های دانشگاهی برای دستیابی به آن تلاش می‌کنند (۱). یکی از دغدغه‌ها در این مورد، کیفیت نازل کارگاه‌های آموزشی است که از تیر ماه سال ۱۳۶۷ تا به حال معمولاً به صورت

آدرس نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، مهدی مجرد

(e-mail: me.mojarrad@gmail.com)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۷/۶

در جهت ارتقاء نظام آموزشی و پژوهشی علوم پزشکی کشور باشد.

مواد و روشها

این مقاله یک مطالعه کیفی است که با رویکرد نظریه زمینه‌ای (Grounded Theory) انجام گرفته است. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد. با این که ۲۰ نفر از مدرسین برای شرکت در این مطالعه در نظر گرفته شده بودند، پس از اتمام دهمین مصاحبه، محقق به اشباع اطلاعاتی رسید. مدرسین واجدالشرایط در این مطالعه در درجه اول آنهایی بودند که در زمینه تدریس کارگاه‌های آموزشی INLM تجربه مستقیم داشته و علاقه‌مند به مشارکت در پژوهش بودند. با توجه به این که محقق در این مطالعه، خود سابقه سالها تدریس در این کارگاه‌ها را داشته است، شرکت کنندگان از بین با تجربه ترین مدرسین این کارگاه‌ها انتخاب شدند. از طرف دیگر، با توجه به تفاوت‌های موجود در دیدگاه‌ها و ملاک‌های زنان و مردان، جامعه هدف این پژوهش، متشکل از هر دو جنس، متعلق به رشته‌های مختلف تحصیلی و با سابقه کاری متفاوت است.

با کسب رضایت از مشارکت‌کنندگان و تعیین وقت و مکان مناسب، جمع‌آوری داده‌های این مطالعه از طریق مصاحبه عمیق نیمه طراحی شده صورت گرفت. به منظور این که پاسخ دهندگان بتوانند درک و تجربه‌هایشان را کاملاً توضیح دهند، سؤال‌ها به شکل باز مطرح شد. به عنوان نمونه، در مصاحبه، پس از معرفی اولیه، این سؤالات از مدرسین پرسیده شد: «یک مدرس از نظر شما چه جوری باید ارزیابی شه؟»، «موفقیت کارگاه‌ها به علت چه مواردی بوده است؟»، «چه مواردی باعث عدم موفقیت کارگاه‌ها شده است؟» و «فکر می‌کنید برای بهبود وضعیت کارگاه‌ها چه تغییراتی لازم است؟». زمان مصاحبه‌ها ثابت نبوده، بسته به موقعیت و روند آن بین ۶۰ تا ۷۵ دقیقه تعیین گردید. تجزیه و تحلیل مستمر و هدفمند داده‌ها همزمان با جمع‌آوری آنها صورت گرفت.

بلافاصله پس از مصاحبه، متون ضبط شده کلمه به کلمه و با فاصله یک خط در میان تایپ شده و در یک سمت صفحات، حاشیه‌ای برابر با حداقل ۵ سانتی‌متر به منظور ثبت کدها ایجاد گردید. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از تحلیل تطبیقی مستمر (Constant comparative analysis) استفاده شد که به طور همزمان داده‌ها جمع‌بندی، کدگذاری و آنالیز شدند.

ظهور انواع منابع اطلاعاتی به شکل الکترونیکی، منابع خواندنی بسیاری را در اختیار پژوهشگران قرار داده است. همان‌طور که منابع چاپی کتابخانه‌ها در حال تبدیل به شکل الکترونیکی است، تمایل کاربران نیز به دسترسی به منابع الکترونیکی روز به روز در حال افزایش است. در کشور ما به کارگیری فن‌آوری‌های پیشرفته دیجیتال با آغاز به کار کتابخانه ملی دیجیتال پزشکی ایران (INLM) در سال ۱۳۸۷ تسهیل شده و محققین به سادگی و به رایگان میتوانند به آخرین اطلاعات مورد نیاز خود دست یابند (۵). استفاده از امکانات INLM و فن‌آوری‌های پیشرفته دیجیتال، مستلزم آموزش کاربران و ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های آنان در این زمینه است. یکی از روش‌های آشنایی با مهارت‌های اطلاع‌یابی و استفاده جامع و مانع از منابع موجود در INLM، برگزاری کارگاه‌های آموزشی در این زمینه است. در سال‌های اخیر دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور نیز، اقدام به برگزاری کارگاه‌های مذکور تحت عنوان "کارگاه آموزشی INLM" نموده‌اند. کیفیت برگزاری کارگاه‌های آموزشی INLM در دانشگاه‌های علوم پزشکی نقش مهمی در ارتقاء سیستم آموزش پزشکی کشور ایفاء می‌کند.

مروری بر تحقیقات صورت گرفته در کشور ما نشان می‌دهد که تاکنون مطالعه‌ای مستقل در زمینه بررسی کیفیت برگزاری کارگاه‌های آموزشی کتابخانه ملی دیجیتال پزشکی ایران در دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور صورت نگرفته و یا لاقلاً در دسترس قرار نگرفته است و آن چه انجام شده علاوه بر تفاوت موضوع، عمدتاً بر بررسی کمی اثربخشی کارگاه‌های مذکور متمرکز بوده است. از سوی دیگر تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی، امکانات و تجهیزات مورد نیاز کارگاه‌های آموزشی، سیستم آموزشی متفاوت و در نتیجه نیازهای متفاوت آموزشی امکان اقتباس بی‌کم و کاست متغیرهای مؤثر بر کیفیت برگزاری کارگاه‌ها را از منابع خارجی (عمدتاً غربی) سلب می‌نماید. از این رو به نظر می‌رسد آگاهی از نقاط قوت و ضعف و بهبود کیفیت، امری ضروری است. سؤال این است که از نظر مدرسین کارگاه‌های آموزشی INLM، کیفیت این کارگاه‌ها چگونه است و چه عواملی باعث ارتقاء کیفیت آن می‌شود؟ از آنجایی که پاسخ این سؤال را نداشتیم و با توجه به مطالب فوق‌الذکر، کیفیت برگزاری کارگاه‌های آموزشی INLM در دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران از دیدگاه مدرسین واجدالشرایط برای نخستین بار با استفاده از رویکرد کیفی تحقیق در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ مورد مطالعه قرار گرفت. امید است نتایج حاصل از این پژوهش گامی مؤثر

الف. منابع اطلاعاتی چندگانه: در این مطالعه از منابع اطلاعاتی مختلف مدرسان که هر یک به نوعی دارای تجربیات مستقیم حضور در کارگاه های کتابخانه دیجیتال ملی پزشکی ایران را داشتند استفاده گردید.

ب. محققین چندگانه: در مطالعه ی حاضر علاوه بر محقق اصلی، سایر اعضای تیم تحقیق (حداقل دو نفر) در تمامی مراحل جمع آوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها مشارکت فعال داشتند.

دیگر این که در مطالعه ی حاضر، پس از کدگذاری هر مصاحبه، نسخه ای کامل از آن، شامل کدها و عبارات کلیدی به دست آمده به منظور ارزیابی سازگاری کدها با تجربیات مشارکت کنندگان، در اختیار تعدادی از آنها قرار می گرفت. بحث و بررسی تیم تحقیق در خصوص یافته های متناقض و دستیابی به اجماع نهایی نیز از دیگر روش های تامین قابلیت پذیرش در مطالعه حاضر بود. همچنین محقق، متن پیاده شده ی مصاحبه ها و بحث های گروهی را به فاصله چند روز، پس از کدگذاری اولیه، مجدداً خوانده و کدگذاری کرده و نتایج را با اولین کدگذاری مقایسه می نمود. برای اطمینان از تطابق پذیری یافته ها، محقق، مدارکی از تمامی مراحل تحقیق اعم از جمع آوری داده ها، تجزیه و تحلیل داده ها، نتایج و پیش نویس های گزارش نهایی و همچنین مراحل و گام های انجام تحقیق را به صورت نظام مند فراهم نمود. این مدارک به منظور تأییدپذیری در اختیار تعدادی از اساتید مجرب و صاحب نظر در زمینه کارگاه های کتابخانه دیجیتال ملی پزشکی ایران قرار گرفت. در زمینه انتقال پذیری، محقق تمامی مراحل تحقیق را جمع آوری و ثبت نمود، از این رو امکان پیگیری گام به گام روش ها و تصمیم گیری ها و همچنین ارزیابی قابلیت انتقال داده ها و نتایج به سایر موقعیت ها و گروه ها برای دیگر محققین مهیاست.

یافته ها

داده های این مطالعه، از طریق مصاحبه باز نیمه طراحی شده با ۱۰ نفر از مدرسان جمع آوری شد. زمان مصاحبه برای هر نفر بین ۶۰ تا ۷۵ دقیقه بود. متغیر اصلی که عامل تأثیرگذار بر کیفیت برگزاری کارگاه ها می باشد، تحت عنوان عامل "فردی-مدیریتی" نام گذاری شد. این عامل بدین معناست که باید مجموعه ای از عوامل فردی و مدیریتی مهیا گردند تا کارگاه ها با کیفیت بالایی برگزار شوند. این عامل شامل ۷ طبقه در دو کد محوری سطح فردی و سطح مدیریتی است؛

در مرحله ی کدگذاری باز، پس از انجام هر مصاحبه، فایل صوتی گوش داده شده و کلمه به کلمه پیاده گردیده و غالباً پیش از انجام مصاحبه بعدی تحلیل می گردید. به این ترتیب هر مصاحبه، هدایت گر مصاحبه ی بعدی بود. به دنبال نسخه برداری از هر مصاحبه، نوارهای صوتی، مجدداً گوش داده شده و یادداشت هایی در خصوص نکات کلیدی صحبت مشارکت کنندگان و همچنین افکار و برداشت پژوهشگر در خصوص اظهارات آنها در حاشیه ی نسخه ها نوشته می شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از شیوه ی تحلیل خط به خط انجام شد. بدین طریق که متون پیاده شده ی هر مصاحبه چندین بار خوانده می شد و با استفاده از نرم افزار word بخش های کلیدی آن برجسته شده و در قالب کدهای مفهومی و یا نقل قول مستقیم (مشابه آنچه مشارکت کنندگان گفته بودند) مشخص می گردید. نسخه های کد داده شده، با فاصله زمانی چند روزه، مجدداً بازنگری شده و کدگذاری می گردید. نتایج دو کدگذاری با هم مقایسه شده و از هماهنگی کدها و در نتیجه ثبات و هماهنگی داده ها اطمینان حاصل می گردید. علاوه بر این نمونه ای از کدها در اختیار مشارکت کنندگان قرار می گرفت و قابلیت پذیرش آنها تایید می شد.

در مرحله کدگذاری محوری، کدهایی که دارای معنا و مفهوم مشابه بودند در یک گروه قرار گرفتند. در این مرحله، کلی ترین طبقه بندی صورت گرفت و در مراحل بعدی طبقات فرعی را در خود جای داد.

در مرحله کدگذاری گزینشی، محقق در یک فرآیند چرخه ای شامل شکستن، مقایسه و طبقه بندی مجدد، به اصلاح، تکمیل و توسعه ی طبقات پرداخت. در این مرحله، دسته بندی های جدید با نام و مفهومی که گویای آن گروه باشد در قالب طبقات فرعی شناسایی تشکیل شدند. اقدامات فوق این امکان را فراهم نمود تا محقق بتواند اطلاعات به دست آمده در مراحل کدگذاری باز و محوری را یکپارچه نماید و از آنها به منظور انتخاب طبقه مرکزی استفاده نماید.

روایی داده ها از طریق ارزیابی قابلیت پذیرش، قابلیت اعتماد، تطابق پذیری و انتقال پذیری انجام شد. یکسان بودن حیطه کاری محقق با شرکت کنندگان به وی اجازه داد که وقت کافی برای اعتمادسازی و ایجاد درکی متقابل با مشارکت کنندگان صرف کرده و زمانی کافی به جمع آوری داده ها اختصاص دهد که کمکی موثر در افزایش قابلیت پذیرش داده ها بود. علاوه بر آن در این مطالعه، برای جمع آوری اطلاعات از روش های چندگانه به شرح ذیل استفاده گردید:

سطح فردی: آموزش و انگیزش، و سطح مدیریتی: زمان کارگاه، مکان کارگاه، تجهیزات کارگاه، تعداد کارگاه ها و نحوه اطلاع رسانی کارگاه.

الف- سطح فردی

۱- آموزش:

مدرسان، اولویت تدریس در کارگاه‌ها را پایگاه‌های Scopus، ISI، Pubmed و Endnote web عنوان کردند و یادآور شدند که علت این اولویت بندی، پایگاه نمایه بودن این سایت‌ها و دسترسی به متن کامل مقالات از طریق لینک‌ها است. علاوه بر این، برای فراگیران با هر رشته تحصیلی نیز اولویت‌های خاص آن رشته تدریس می‌شود. همچنین آنها، آموزش دیده نبودن برخی از مدرسان و در نتیجه، تجربی بودن اطلاعات آنها را از مشکلات موجود دانستند. از طرف دیگر، با توجه به اینکه شرکت‌های کارگزار، کارگاه‌های بازآموزی برای مدرسان برگزار می‌کنند، مدرسان، این کارگاه‌ها را بیشتر از آموزشی بودن، تجاری می‌دانند و کارشناسان و مدرسان آنها را نیز فاقد صلاحیت‌های علمی کافی جهت رفع اشکالات خود می‌دانند. به علاوه، مدرسان، عدم توجه مدیریت کلان به امر آموزش را، علیرغم هزینه‌های هنگفت خرید منابع، در کاهش کیفیت کارگاه‌ها مؤثر دانستند. همچنین، آنها اشتیاق فراگیران را در کلاس‌های یک‌دست به لحاظ رشته و سطح علمی بالاتر قلمداد کردند.

شرکت کنندگان در مطالعه به لزوم به روز بودن اطلاعات مدرسان کارگاه‌ها و تسلط آنها به زبان انگلیسی اشاره داشتند. همچنین، تدریس کارگاه‌ها را تخصص کتابداران دانستند. یکی از مدرسان به این موضوع اشاره کرده و گفت: «هر کسی تخصص کار خودش رو داره، شما نمی‌تونید منکر بشید. ممکنه شخص کتابدار باشه ولی این تخصص نداشته باشه که بیاد کتابخانه دیجیتال ملی پزشکی ایران آموزش بده ولی کسی که کتابخانه دیجیتال ملی پزشکی ایران آموزش داره می‌باید (با تاکید) کتابدار باشه.»

به علاوه، یکی از مدرسان از این هم فراتر رفته و به ارجحیت کتابدار پزشکی در مقایسه با کتابدار عمومی برای تدریس کتابخانه دیجیتال ملی پزشکی ایران اشاره کرد. بسیاری از مدرسان بر این باور بودند که لازم است گروهی از کتابداران تنها به امر آموزش بپردازند و از این رو زمان کافی برای به روز کردن اطلاعات خود و بالا بردن کیفیت آموزش را در اختیار داشته باشند. همچنین، برای برگزاری و تدریس کارگاه‌ها در هر مرکز کتابدار همان مرکز مناسب تر تشخیص داده شده بود، زیرا کتابدار همان مرکز آشنایی بیشتری با نیازهای

اطلاعاتی کاربران خود دارد. از طرف دیگر، نحوه انتقال مطالب توسط مدرس عامل مهمی بود که تمام شرکت کنندگان در مطالعه به آن اشاره کردند. یک‌دست بودن فراگیران کارگاه‌ها به لحاظ رشته و سطح علمی، و همچنین آشنا بودن آنها با مبانی کامپیوتر نیز تأثیر بسزایی در ارتقاء کیفیت کار مدرس و تخصصی تر بودن آموزش و همچنین افزایش اشتیاق فراگیران برای شرکت در کارگاه دارد. علاوه بر این، مدرسان عقیده دارند که بهتر است پیش از برگزاری کارگاه، از فراگیران تعیین سطح به عمل آید و مبتدی‌ها و پیشرفته‌ها در کارگاه‌های جداگانه شرکت داده شوند. همچنین برای کسانی که با کامپیوتر و یا استفاده از لب تاب آشنایی ندارند، کلاس مبانی ICDL برگزار شود و سپس در این کارگاه‌ها شرکت کنند. چون در غیر این صورت مدرس و سایر فراگیران آزرده خاطر شده و زمان کلاس نیز از بین می‌رود. ابزار انتقال اطلاعات توسط مدرس نیز از مواردی بود که مدرسان به آن اشاره داشتند و آموزش آنلاین و با اینترنت را در مقایسه با آموزش به وسیله اسلاید و پاورپوینت ارجح دانستند. همچنین، مدرسان، برگزاری کارگاه‌هایی به منظور به روز شدن اطلاعات خود را الزامی دانستند. در نهایت، یکی از مدرسان مشکلات ناشی از تدریس را نیز در اصل ناشی از ضعف مدیریت دانست و گفت: «حتی الان یک مدرس ناکارآمدی هم داشته باشیم اگر مدیریت نگاه درستی داشته باشه آن آدم را حذف می‌کنه و یک جایگزین میاره یعنی مشکلات دیگه قابل حله مبنی بر اینکه اون مدیریت بخواد و این نگاه را داشته باشه.»

۲- انگیزش:

از دیدگاه مدرسان، مهمترین مسئله در ایجاد انگیزه برای تدریس کارگاه‌ها، اختصاص پاداش‌های مادی و یا معنوی به لحاظ جایگاه کتابداران مدرس از سوی مدیریت می‌باشد. برخی از مدرسان همچنین تمایل خود را جهت تدریس پایگاه‌ها به صورت یک واحد درسی برای دانشجویان ابراز کردند و عقیده داشتند که در این صورت کتابداران مدرس هم به حق و حقوق خود می‌رسند. البته در این حالت نیز کماکان برگزاری کارگاه‌ها را ضروری دانستند که به علت تغییرات مداوم پایگاه‌ها و نیاز فراگیران برای به روز بودن می‌باشد.

مدرسان معتقد بودند انگیزه فراگیری که خودشان درخواست برگزاری کارگاه را داشته اند، و نیز فراگیری که درگیر پایان نامه هستند و نیاز اطلاعاتی به یادگیری این منابع دارند، بالاتر و کیفیت کارگاه‌های آنها بهتر است. همچنین مدرسان، انگیزه برخی از اساتید و اعضای هیئت علمی را در کارگاه‌ها پایین قلمداد کرده و عنوان کردند که آنها پذیرش اینکه یک کتابدار

شان می شود اتفاقاً. ... ولی میتونیم برای فراگیران به نظر من با این چیزها شروع کنیم، مدرک بهشون بدهیم، تشویقشان کنیم.»

یکی از مدرسان به نقش دریافت هزینه از فراگیران جهت افزایش انگیزه در آنان اشاره کرده و گفت: «به نظر من کلاسی که رایگان باشد درست است که خیلی خوب است ولی به نظر من اگر هزینه داشته باشد، بیشتر قدرش دانسته می شود. ... میشه از آن هزینه برای تشویق خودشان استفاده کرد، میشه این کار را هم کرد، چرا که نه؟!» همچنین میزان اشتیاق فراگیرانی که مرکز خودشان درخواست برگزاری کارگاه را ارائه کرده است برای شرکت در کارگاه ها بیشتر است. علاوه، یکی از مدرسان اذعان داشت که از بین دانشجویان نیز دانشجویان تحصیلات تکمیلی به علت مواجهه با نیازهای اطلاعاتی خود برای پایان نامه بیشتری استقبال را داشته اند. علاوه، عدم خریداری شدن نشریات چاپی از سال ۲۰۰۵ و ضعف زیرساخت های فناوری اطلاعات و آشنایی با کامپیوتر در کشور، نیاز به بازآموزی و تدریس این مطالب را افزایش می دهد.

ب - سطح مدیریتی

۱- مکان کارگاه:

مدرسان، برگزاری کارگاه ها در محل کار فراگیران را از دو جهت مورد توجه قرار دادند؛ از یک طرف، در کارگاه هایی که در محل مراکز برگزار می شوند، تعداد بیشتری از فراگیران شرکت می کنند، و از طرف دیگر، در این کارگاه ها، رفت و آمد فراگیران به بیرون از کلاس جهت رسیدگی به کارهای دیگرشان نیز بیشتر است که این مسئله کیفیت کارگاه را با چالش روبرو می کند. با این حال، بیشتر مدرسان بر این باور بودند که بهترین مکان برای کارگاه ها، محلی است که فراگیران در آن مشغول به تحصیل یا کار هستند. این شرایط، مخصوصاً برای اعضای هیئت علمی که با کمبود وقت مواجه هستند، مناسب است. به عقیده آنان، برای پزشکان و کادر درمان، مکان حائز اهمیت است.

۲- زمان کارگاه:

از آنجایی که اغلب کارگاه ها در ساعات اداری برگزار می شود، استقبال دانشجویان نیز به علت همزمانی با کلاسهای دانشگاهی کمتر است؛ که این مسئله ناشی از ناهمگنی برنامه زمانی است و نه بی علاقه ای ایشان. در مورد کارگاه هایی که فراگیران آن اساتید و اعضای هیئت علمی هستند نیز، عدم حضور به موقع آنان سر کلاس و در نتیجه، تأخیر در شروع

به آنها تدریس کند را ندارند، هر چند که پس از شرکت در کارگاه و پی بردن به کاربردهای آن علاقمند شده اند.

ضمناً مدرسان اذعان داشتند که در مراکزی که کتابدار فعال تری دارند، انگیزه فراگیران برای شرکت در کارگاه ها بیشتر است. که این خود می تواند نتیجه غیر مستقیم آشنایی فراگیران با منابع مورد تدریس در این کارگاه باشد.

بعلاوه یکی از مدرسان، شرکت کتابداران در مجامع بین المللی را نیز در ایجاد انگیزه در مدرسان مؤثر دانسته و گفت: «اگر بتوانند کتابداران در مجامع بین المللی مثل IFLA شرکت کنند، خودش این باز یک انگیزه ای ایجاد می کند که بدانند در جوامع بین المللی چه جوری این برنامه ها اجرا میشه و بتوانند یک الگویی بگیرند که بتوانند در اینجا پیاده کنند.»

همچنین، یکی از مدرسان کتابدار اشاره کرد که انگیزه کتابداران برای یادگیری پایگاه ها، به کاربران کتابخانه ها هم مربوط است. کتابدار مرکزی که مراجعه کننده زیاد دارد استقبال بیشتری می کند تا کتابدار مرکزی که مراجعه کننده ندارد و آشنایی زیادی هم ندارد.

از طرف دیگر، از نظر مدرسان، انگیزه فراگیران برای شرکت در کارگاه ها بیشتر به نحوه اطلاع رسانی و آشنایی فراگیران با نیازهای اطلاعاتی که با آن مواجه هستند برمی گردد. عدم آشنایی فراگیران، چه دانشجو و چه اعضای هیئت علمی، با مطالب این کارگاه ها و عدم احساس نیاز به این مطالب، بزرگترین علت عدم تمایل آنان به شرکت در این کارگاه ها است. وجود روحیه پژوهشی و دسترسی به منابع مورد نیاز کاربران از دیگر عوامل تأثیر گذار بر انگیزه فراگیران هستند. پس از نیاز اطلاعاتی، انگیزه بسیاری از فراگیران برای شرکت در کارگاه ها مدرک و گواهی شرکت در کارگاه است. یکی از مدرسان به تأثیر دوطرفه این عامل انگیزش اشاره کرده و گفت: «دقیقاً یک حالت دوطرفه دارد؛ می تواند تأثیر مثبت داشته باشد، می تواند تأثیر منفی داشته باشد. تأثیر مثبتش این است که خودش یک انگیزه ای می شود برای اینکه آنها بیایند و در کارگاه شرکت کنند و تأثیر منفی آن این است که افراد فقط صرف گرفتن امتیاز می آیند در کارگاه شرکت می کنند.»

با این حال، یکی دیگر از مدرسان معتقد بود که می توان از همین مسئله برای جذب فراگیران به منظور اطلاع رسانی در مورد ضرورت برگزاری کارگاه ها استفاده کرد. به گفته وی: «هیئت علمی ها می آیند و می روند و می گویند که به ما مدرک بدهید و این مدرک را برای فلان جا لازم دارند یا مثلاً فکر می کنند در حقوقشان موثر است و این هم باعث انگیزه

دسترسی به پایگاه‌ها به علت عدم پرداخت به موقع هزینه اشتراک منابع، و در نتیجه پایین آمدن کیفیت کارگاه‌ها، از دیگر نکاتی بود که به آن اشاره شد.

۴- تعداد کارگاه‌ها:

مدرسان، کاهش تعداد کارگاه‌ها را در حال حاضر ناشی از نارضایتی مدرسان دانستند و نه از عدم تمایل فراگیران. همچنین، آنها معتقد بودند که بهتر است کارگاه‌ها برای پایگاه‌ها به صورت مجزا برگزار شود که بتوان زمان بیشتری به هر پایگاه اختصاص داد. علاوه بر این، برای کارگاه‌ها سطوح مقدماتی و پیشرفته تعریف شود که فراگیران پس از شرکت در سطح مقدماتی، در صورت تمایل در سطح پیشرفته نیز شرکت کنند. ضمناً برگزاری کارگاه‌ها باید تداوم داشته باشد تا فراگیران بتوانند با تغییرات پایگاه‌ها آشنا شده و به روز باشند.

۵- اطلاع رسانی کارگاه:

مدرسان، عدم اطلاع رسانی مناسب برای برگزاری کارگاه‌ها، نیاز اطلاعاتی فراگیران به این منابع خصوصاً برای دانشجویان سال اول و نیز فقدان یک پورتال قوی جهت اطلاع رسانی مناسب برگزاری کارگاه‌ها را در کاهش انگیزه فراگیران و در نتیجه کاهش کیفیت کارگاه‌ها مؤثر دانستند.

علاوه بر اطلاع رسانی به وسیله بروشورها در محل کتابخانه، باید در پورتال کتابخانه و مهم‌تر از آن در پورتال اصلی دانشگاه در مورد برگزاری این کارگاه‌ها اطلاع رسانی شود. به گفته یکی از مدرسان: «معاونت پژوهشی این امکانو برای بچه‌ها بذاره مثلاً جاهای بزرگتر بذاره، بیاد به صورت رسمی اعلام کنه، ما فقط تو سایت کتابخونه نذاریم، تو سایت دانشگاه بذاریم». همچنین تهیه بروشورها و تراکت‌هایی درباره ضرورت این کارگاه‌ها و یادگیری استفاده از پایگاه‌ها به صورت مختصر، در ایجاد انگیزه برای شرکت در کارگاه‌ها خالی از فایده نخواهد بود.

به گفته یکی از مدرسان، بزرگترین چالشی که برگزاری کارگاه‌ها با آن روبروست، نحوه اطلاع رسانی است. مدرسان، عدم اطلاع رسانی مناسب برای برگزاری کارگاه‌ها جهت جذب بیشتر فراگیران و همچنین آشنا کردن آنها با نیازهای اطلاعاتی‌شان را عامل کاهش کیفیت کارگاه‌ها برشمردند.

بحث

یافته‌های مطالعه حاضر، با توجه به طبقات حاصل شده از کدگذاری‌ها، نشان داد که رابطه تنگاتنگی بین سطوح فردی و مدیریتی در ارتقاء کیفیت کارگاه‌های کتابخانه دیجیتال ملی پزشکی ایران وجود دارد. اکثر مطالعات در ایران، در زمینه

کارگاه، ایجاد مشکل می‌کند. زمان بندی کلاسها نیز با توجه به نیازهای اطلاعاتی و نیز علاقمندی فراگیران انجام می‌گیرد. مدرسان بر این باور بودند که بیشترین بازده کلاس‌ها در ساعات صبح است. هر چند، به نظر آنان فراگیران ترجیح می‌دهند که کارگاه‌ها بعدازظهر برگزار شود که با ساعات اداری و کلاس‌های آنان تداخل نداشته باشد. با این حال، مدرسان از این بابت که با برگزاری کارگاه در خارج از ساعات اداری، مدیریت، حقوق مجزایی برایشان در نظر نمی‌گیرد و نیز به علت مشکلات ایاب و ذهاب، ترجیح می‌دهند که کلاسها همان صبح برگزار شوند.

همچنین آنها معتقد بودند که بهتر است در بازه زمانی یک جلسه کارگاه، بیش از ۳ پایگاه تدریس نشود. به علاوه، در مورد بازه زمانی هر جلسه کارگاه، یکی از مدرسان اذعان داشت: «حداکثرش حداکثر (با تاکید) بازه زمانی باید ۳ ساعت باشه زیر ۱ ساعت هم نباید باشه و اینکه صبح باشه، افراد تمرکز بیشتری دارند.»

همچنین اعتقاد بر این بود که تا زمانی که یک پایگاه به خوبی تدریس نشده و بازخورد مناسب از فراگیران دریافت نشده باشد، پایگاه بعدی تدریس نشود. به علاوه، از آنجایی که از بین فراگیران، اغلب دانشجویان با زمان کارگاه‌ها مشکل دارند که به علت تداخل زمان کارگاه با کلاسها و امتحان‌هایشان می‌باشد، مدرسان عقیده داشتند که برای زمان برگزاری کارگاه‌ها خصوصاً برای دانشجویان بهتر است برنامه ریزی توسط خود دانشجویان ارائه شود.

۳- تجهیزات کارگاه:

مدرسان، تعداد دستگاه‌های کامپیوتر را در کارگاه‌های کتابخانه مرکزی مناسب دانستند، و ارائه ی یک پکیج شامل سی دی، پاورپوینت یا کتابی که فراگیران بتوانند با مراجعه مجدد به آن، مباحث کارگاه را مرور کنند را از نکات مثبت برخی از کارگاه‌ها برشمردند. تمامی مدرسان به نقش مهم تجهیزات مثل ارتقاء سیستم کامپیوترها، عدم قطعی اینترنت، وسایل کمک آموزشی مناسب مثل ویدئو پروژکتور، نور مناسب، تهویه مناسب، تعداد مناسب کامپیوتر برای فراگیران و تعداد مناسب فراگیران اشاره داشتند. از نظر آنان بهترین حالت، یک کامپیوتر به ازای هر نفر بود.

عدم پرداخت به موقع هزینه اشتراک منابع و در نتیجه قطع دسترسی به منابع، و همچنین عدم تجهیز کارگاه‌ها به لحاظ اینترنت، کامپیوتر، نور، تهویه هوا... از عوامل بازدارنده ارتقاء کیفیت کارگاه‌های کتابخانه ملی دیجیتال پزشکی ایران از دیدگاه مدرسان می‌باشند. قطعی اینترنت و یا قطع شدن

مثبت داشته است. در مطالعه کیفی حاضر نیز مدرسان، برگزاری این کارگاهها را برای بهبود کیفیت کارگاهها ضروری دانسته‌اند.

در بحث انگیزش مدرسان، مواردی چون اختصاص دادن پاداش‌های مادی یا معنوی برای مدرسان، شرکت کتابداران در مجامع بین‌المللی، و استقبال کاربران کتابخانه‌ها حائز اهمیت هستند. از طرف دیگر در مورد انگیزش فراگیران، می‌توان به نحوه اطلاع‌رسانی، آشنایی با نیازهای اطلاعاتی، داشتن روحیه پژوهشی، دسترسی به منابع مورد نیاز، و نیز ارائه گواهی شرکت در کارگاه اشاره کرد.

در مورد زمان کارگاهها، عواملی مانند ساعات مناسب برای یادگیری و برگزاری کارگاهها و تداخل ساعات کارگاه با ساعات اداری و کلاسی فراگیران عنوان گردید. یافته‌های مطالعه دخت عصمتی و حمداله زاده (۱۲) نیز نشان داد که اکثریت افراد شرکت کننده در کارگاه‌های آموزشی سرای اهل قلم در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، خواستار در نظر گرفتن وقت بیشتر برای کارگاهها در سال‌های آتی هستند.

فناوری عاملی است که به مدرسان کمک می‌کند تا مطالب آموزشی را متناسب با نیازهای فراگیران عرضه کنند. برای نمونه، انواع فیلم، اسلاید، برنامه‌های رایانه‌ای و ویدئوپروژکتور به آموزشگر کمک می‌کند تا در حد ممکن به تفهیم بیشتر موضوع آموزشی بپردازد (۱۳). در مطالعه حاضر، به نقش مهم تجهیزات مثل ارتقاء سیستم کامپیوترها، عدم قطعی اینترنت، وسایل کمک آموزشی مناسب مثل ویدئو پروژکتور، ارائه جزوه یا فایل پاورپونت جهت مراجعه مجدد فراگیران به آنها، نور مناسب، تهویه مناسب، تعداد مناسب کامپیوتر برای فراگیران و تعداد مناسب فراگیران، قطعی اینترنت و یا قطع شدن دسترسی به پایگاهها به علت عدم پرداخت به موقع هزینه اشتراک منابع، و در نتیجه پایین آمدن کیفیت کارگاهها، اشاره شد. همچنین، یافته‌های مطالعه دخت عصمتی و حمداله زاده (۱۲) نشان داد که اکثریت افراد شرکت کننده در کارگاه‌های آموزشی سرای اهل قلم در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، خواستار فضای فیزیکی مناسب‌تر (چیدمان صندلی، نور مناسب و خوانایی اسلایدها) در سال‌های آتی هستند.

همچنین، به عواملی چون سطح بندی کارگاهها و برگزاری آنها در دو یا سه سطح مقدماتی و پیشرفته، و لزوم تداوم کارگاهها جهت به روز ماندن اطلاعات فراگیران اشاره شد. سپنج نیا و دیگران (۱۴)، در مطالعه خود، کارگاه آموزش مهارت‌های

تعیین اثربخشی کارگاه‌های مختلف متمرکز بوده‌اند و عمدتاً مبتنی بر الگوی پاتریک بوده‌اند. این بدان مفهوم است که مطالعات مذکور، رویکردی کمی داشته و متغیرهای مورد نظر از پیش مشخص بوده‌اند (۸-۶). از این رو، مطالعه حاضر، اولین مطالعه در این زمینه است که کیفیت برگزاری "کارگاه‌های آموزشی کتابخانه‌های دیجیتال ملی پزشکی ایران" را از دیدگاه مدرسان این کارگاهها مورد مطالعه قرار داده است. بیشتر مطالعات انجام شده در خارج از کشور نیز به تعیین اثربخشی کارگاه‌های مختلف پرداخته‌اند. با این حال، دورهام و دیگران در سال ۲۰۰۹ (۹)، تأثیر یک برنامه آموزش مجازی آناتومی کاربردی تعاملی برای دانشجویان سال آخر دندانپزشکی را مورد بررسی قرار دادند. در مرحله اول، جهت به دست آمدن بینشی از آگاهی و درک دانشجویان از دوره آموزشی، از تعدادی از آنها مصاحبه عمیق به عمل آمد و نتایج مرحله کیفی اولیه، به ساخت یک پرسشنامه لیکرت معتبر از طریق تم‌های ایجاد شده، و در نتیجه به کمی کردن این اطلاعات کیفی کمک کرد. نتایج این مطالعه نشان داد که دانشجویان، این دوره‌ها را برای تجدید و تحکیم دانش آناتومی خود مناسب دانستند.

همان گونه که بیان شد، دیدگاه‌های مدرسان درباره آموزش، به عوامل متعددی وابسته است. عواملی مانند اولویت بندی پایگاه‌های مورد تدریس، تسلط مدرس، رشته تحصیلی مدرس، نحوه انتقال مطلب مدرس، یکدست بودن فراگیران کلاس، تعداد فراگیران در هر کلاس، لزوم تعیین سطح فراگیران پیش از شروع کارگاه، روش و ابزار آموزش (پاورپونت یا اینترنت)، لزوم برگزاری کلاس‌های آموزشی و بازآموزی برای مدرسان، لزوم اختصاص دادن گروهی از کتابداران به امر آموزش، لزوم برگزاری و تدریس کارگاه در هر مرکز توسط کتابدار همان مرکز. در مورد نقش "کارگاه‌های روش تدریس" برای مدرسان، نوحی و دیگران (۱۰) مطالعه‌ای را بر روی شرکت کنندگان کارگاه‌های مقدماتی روش تدریس انجام دادند. روش جمع‌آوری داده‌ها در مطالعه آنان، پرسشنامه بود. نتایج این مطالعه نشان داد که کارگاه‌های ذکر شده می‌توانند دانش شرکت کنندگان را افزایش و نگرش آنها را ارتقاء دهد، ولی توسعه رفتار در حیطه عملکرد علاوه بر کارگاه آموزشی به عوامل دیگری وابسته است. از طرف دیگر، موسوی نسب و دیگران (۱۱) نیز مطالعه دیگری را بر روی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شیراز انجام دادند. روش جمع‌آوری داده‌ها در مطالعه آنان نیز پرسشنامه بود. آنها مشاهده کردند که "کارگاه‌های روش‌های آموزشی"، ۶۹٪ بر فراگیران تأثیر

با توجه به مطالب ذکر شده، مشاهده می‌شود که رابطه مستقیمی بین طبقه‌ها وجود دارد. به عنوان مثال، نحوه تدریس و تسلط مدرس که در طبقه آموزش و در سطح فردی قرار دارد، خود تحت تأثیر عواملی است که در طبقه انگیزش اشاره شد. همچنین روش و ابزار آموزش که در گروه آموزش ذکر شد، توسط طبقه تجهیزات کارگاه در سطح مدیریتی، تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

مناسب بودن زمان کارگاه، مکان کارگاه، و تجهیزات کارگاه، می‌تواند موجب ایجاد و یا افزایش انگیزه فراگیران شرکت کننده در کارگاه‌ها باشد، که این مسئله به خودی خود، در آموزش مؤثر است. از طرف دیگر، نحوه اطلاع رسانی جهت برگزاری و ضرورت برگزاری کارگاه‌ها، انگیزه فراگیران را افزایش داده و در نتیجه، کیفیت آموزش ارتقاء می‌یابد.

با توجه به یافته‌های این پژوهش نتیجه‌ای به دست آمد که طبق آن سطح مدیریتی یعنی زمان کارگاه، مکان کارگاه، تجهیزات کارگاه، تعداد کارگاه‌ها و نحوه اطلاع رسانی کارگاه‌ها اثر مستقیم بر انگیزه فراگیران دارد. از این میان، انگیزه مدرسان، به طور مستقیم از تجهیزات کارگاه تأثیر می‌گیرد. انگیزه بالای مدرسان نیز به طور مستقیم باعث ارتقاء کیفیت آموزش شده و در عین حال، تداوم برگزاری کارگاه‌ها و بهبود روند اطلاع رسانی کارگاه‌ها را به دنبال خواهد داشت.

لازم به ذکر است که به دلیل رویکرد گذشته نگر مطالعه حاضر، امکان خطای یادآوری در شرح تجربیات مشارکت کنندگان وجود دارد. با این حال، جلب مشارکت داوطلبانه مدرسان با تجربه، از نقاط قوت این مطالعه محسوب می‌شود.

دانشجویی را که در سومین ماه تحصیل دانشجویان پزشکی ورودی بهمن ۷۷ برگزار شده بود، از دیدگاه فراگیران مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان دهنده تأکید فراگیران بر نیاز به تکرار کارگاه‌ها در دوره‌های بعد و برگزاری کارگاه‌هایی متناسب با سال‌های بعد برای همین دانشجویان بود. همچنین بریم نژاد و دیگران (۱۵) تأثیر آموزش به شیوه کارگاهی را بر یادگیری پایدار پرستاران مورد مطالعه قرار دادند. ابزار جمع آوری داده‌ها پرسشنامه بود که قبل، بلافاصله بعد و ۶ ماه پس از اتمام کارگاه احیای قلبی-ریوی توسط شرکت کنندگان پاسخ داده شد. نتایج حاکی از آن بود که کارگاه مورد نظر، نیاز جامعه پرستاری را تا حدودی برطرف می‌نماید، اما تکرار این کارگاه‌ها در فواصل منظم و حداکثر ۶ ماه ضروری به نظر رسید.

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کیفیت کارگاه‌ها، اطلاع رسانی بوده و همانطور که ذکر شد، علاوه بر اطلاع رسانی به وسیله بروشورها در محل کتابخانه، باید در پورتال کتابخانه و مهم‌تر از آن در پورتال اصلی دانشگاه در مورد برگزاری این کارگاه‌ها اطلاع رسانی شود. همچنین تهیه بروشورها و تراکت‌هایی درباره ضرورت این کارگاه‌ها و یادگیری استفاده از پایگاه‌ها به صورت مختصر، در ایجاد انگیزه برای شرکت در کارگاه‌ها مؤثر است. در همین راستا، یافته‌های مطالعه دخت عصمتی و حمداله زاده (۱۲) نشان داد که اکثریت افراد شرکت کننده در کارگاه‌های آموزشی سرای اهل قلم در بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، خواستار اطلاع رسانی وسیع‌تر در سال‌های آتی هستند.

REFERENCES

- Pazargadi M, Satari SAD. Evaluating quality of education: A participatory approach to confront challenges faced by nongovernmental higher education system in the third millennium. *Pazhouhesh-nameye Tarbiati* 2009; 5: 1-23. [In Persian]
- Valaei N. Dr. Fereidoon Azizi, the founder of research methodology education workshops and an illustrious name in history of scientific researches in Iran. In: Academy of Medical Sciences Islamic Republic of Iran, editor. *Anthology of articles in honor of the prestigious scholar professor Fereidoun Azizi*. Tehran: Academy of Medical Sciences Islamic Republic of Iran; 2012. [In Persian]
- Dokht Esmati M, Hamdollah Zadeh F. Evaluation of "Saraye Ahle Qalam" Educational Workshops in the Twenty-Second Tehran International Book Fair. *Faslname-ye Ketab* 2012; 23: 26-36. [In Persian]
- Khademloo M, Zare A, Fakhar M. Survey of service quality gap from the viewpoint of paramedicine students in Mazandaran University of Medical Sciences, 2010. *J Educ Ethics Nurs* 2013; 2: 1-5. [In Persian]
- Ministry of health and medical education, Rose system, editors. *Guidelines of Digital Integrated National Library of Medicine*. Tehran: Ministry of health and medical education; 2009. [In Persian]
- Sabbaghian Z, Mir Moyni LS. The Effectiveness of Educational Workshops: a case study. *IRPHE* 2004; 10: 1-27. [In Persian]
- Parirokh M. An investigation into the effectiveness of information literacy workshops for post-graduate students in Ferdowsi University of Mashhad. *SEPJ* 2004; 5:79-103. [In Persian]

8. Hossein KM, Fatemeh D, Fatemeh OS, Katri VJ, Tahereh B. Teaching style in clinical nursing education: A qualitative study of Iranian nursing teachers' experiences. *Nurse Educ Pract* 2010; 10: 8-12.
9. Durham JA, Brettell S, Summerside C, McHanwell S. Evaluation of a virtual anatomy course for clinical undergraduates. *Eur J Dent Educ* 2009; 13: 100-19.
10. Nohi E, Haghdoost AA, Farajzadeh S. The impact of teaching methodology workshops on knowledge, attitude and practice of the medical teachers. *Journal of Qazvin University of Medical Sciences* 2002; 6: 5-9. [In Persian]
11. Mosavinasab M, Ghazanfari Sh, Tavakoli Kazerooni AR, Arsalanzadeh R. Surveying the insight of teachers participating in 3 educational workshops in Shiraz Medical Education Development Center, 1993-1996. *Pejouhesh dar Pezeshki* 2001; 25: 47-53. [In Persian]
12. Dokht Esmati M, Hamdollah Zadeh F. Evaluation of "Saraye Ahle Qalam" Educational Workshops in the Twenty-Second Tehran International Book Fair. *Faslname-ye Ketab* 2012; 23: 26-36. [In Persian]
13. Parirokh M, editor. *Teaching Information Literacy: Concepts, Methods and Programs*. Tehran: Ketabdar; 2007. [In Persian]
14. Sepanj Nia K, Haddadgar A, Tamizifar B, Zolfaghari B, Nasri P. Familiarizing new students with the university and study skills: one-day workshop for medical students in their first semester. *IJME* 2000; 1: 31-5. [In Persian]
15. Borimnejad L, Nikbakht Nasrabadi A, Mohammadi H. The Effect of Cardiopulmonary Resuscitation Workshop on Nurses' Sustained Learning. *IJME* 2008; 7: 209-15. [In Persian]